

# الجهاد مع الحق

## جهاد همراه با حق

الجهاد لإعلاء كلمة الله سبحانه وتعالى - كما تبين - أمر مشروع، بل هو واجب في كل الأديان الإلهية التي عرفها أهل الأرض، ولكن يبقى أن هناك من يحاول خلط الحق بالباطل ليخرج بمسوخ مشوه يسميه الجهاد لإعلاء كلمة الله؛ ولذا فمن الضروري أن يقف كل إنسان عاقل يحترم عقله على حدود كلمة الله العليا التي يريد سبحانه وتعالى إقرارها على هذه الأرض، ولكي لا يكون ضمن طوابير المستحمرين (المقلدين) التابعين للعلماء غير العاملين (الحمير) كما يسميهم تعالى:

جهاد برای برافراشتن کلمه‌ی الله سبحانه و متعال همان‌طور که بیان شد- امری است مشروع، و حتی در تمام ادیان الهی که اهل زمین آنها را می‌شناسند، واجب می‌باشد؛ اما مسئله‌ای که باقی می‌ماند این است که برخی تلاش می‌کنند حق را با باطل در هم آمیزند تا چیزی دگرگون و تحریف شده پدید آورند و آن را جهاد برای برافراشتن کلمه‌ی الله نام نهند؛ بنابراین ضروری است هر انسان عاقلی که برای عقل و خرد خود احترامی قایل است بر چهارچوب آن «کلمه‌ی برتر الله» (کلمه‌ی الله العلیا) که خداوند سبحان و متعال استقرارش را بر این زمین می‌خواهد، درنگ نماید تا در زمره‌ی صفوف به استحمار کشیده شده‌ی (مقلدان) پیرو علمای بی عمل (حمارها) نباشد؛ همان‌طور که حق تعالی آنها را این‌گونه نام می‌نهد:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (1).

((مَثَل کسانی که تورات بر آنها تحمیل شد ولی به آن عمل نمی‌کنند مَثَل آن خَر است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند. چه زشت است مَثَل آن قومی که آیات خدا را دروغ شمرده‌اند و خداوند مردمان ستم‌کاره را هدایت نمی‌کند))

ونحن المسلمون لدينا القرآن وأحاديث الرسول محمد ﷺ وآله الأطهار ع فيكون المسلمون الذين حملوا القرآن وأحاديثهم ﷺ ثم لم يحملوها مثلهم كمثل الحمار، وبين تعالى في القرآن الكريم أن صوت العلماء غير العاملين (الحمير) عالٍ ومسموع من قبل المقلدين (المستحمرين) ولكنه في نفس الوقت منكر وقبيح ﴿إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ (3).

ما مسلمانان قرآن و احاديث رسول خدا حضرت محمد ﷺ و اهل بيت پاكش ﷺ را در دست داريم؛ بنا بر اين مثل آن مسلمانانی که قرآن و احاديث معصومين ﷺ تكليفشان شد و به آن عمل نمی کنند، مثل همان خراست، و خداوند متعال در قرآن كريم بيان می فرماید که صدای علمای بی عمل (خران) بلند است و توسط مقلدان (خر شدگان) شنیده می شود ولی در عين حال، زشت و ناپسند می باشد: ((به راستی که ناخوش ترين بانگ ها، بانگ خران است)) (۴).

أبدأ في كل مجتمع بعث فيه نبي أو وصي كان من يحاربه هم العلماء غير العاملين ويتبعهم المقلدون دونما تدبر أو تفكر بل استهزاء وسخرية وتهجم ويوم القيامة:

همواره در هر جامعه ای که نبی یا وصی در آن مبعوث می شود، علمای بی عمل با آنها به جنگ برخاستند و مقلدان بدون هیچ تدبیر یا تفکری و حتی با استهزا و مسخره کردن و حمله ور شدن از آنها پیروی می کردند، و در قیامت:

﴿تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأُوا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾

(5).

((آنگاه که پیشوایان، عذاب را بنگرند و از فرمان بران خویش بیزارى

۲- جمعه: ۵.

۳- لقمان: ۱۹.

۴- لقمان: ۱۹.

۵- البقرة: ۱۶۶.

## جویند و پیوند میان ایشان گسسته گردد)) (۶).

علی کل حال لیس هذا بحثاً عقائدياً لإثبات صاحب الحق ولكنني أردت لفت انتباه كل من استحمره علماء الضلالة سواء كانوا مسلمين أو مسيح أو يهود إلى أن الله سبحانه وتعالى خلق الإنسان ليكون عبداً له سبحانه: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (7)، لا ليكون عبداً لعلماء الضلالة غير العاملين: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (8).

به هر حال این موضوع، مبحثی عقیدتی برای اثبات صاحب حق نیست، ولی تنها خواستم توجه تمام کسانی را که علمای گمراهی آنها را به استحمار کشیده‌اند جلب کنم -فرقی نمی‌کند از مسلمانان باشد، مسیحی باشد و یا یهودی- به اینکه خداوند سبحان و متعال انسان را تنها برای اینکه بنده‌ای برای او باشد، آفریده است: **((جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام))** (۹) نه اینکه بنده‌ای باشد برای پیشوایان گمراهی بی‌عمل: **((آنها احبار و راهبان خویش را به جای الله به پروردگاری گرفتند))** (۱۰).

\* \* \*

---

۶- بقره: ۱۶۶.

7- الذاریات: 56.

8- التوبة: 31.

۹- ذاریات: ۵۶.

۱۰- توبه: ۳۱.